

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ سپتمبر ۲۰۲۲

سخنرانی آتشین "عباس ستانکزی":

## از کلوخ آتش پرید! - (۱)

سه شنبه - ۰۵ میزان ۱۴۰۱ - کابل: تا جایی که از گزارشات امروز رسانه ها بر می آید، امروز "عباس ستانکزی" معین سیاسی و زارت خارجه نظام ملاسالار، در محفلی که به منظور "تجلیل از روز جهانی گردشگری در افغانستان" در قصر دارالامان دایر شده بود، ضمن یک سخنرانی مفصل نه تنها از سیاست امارت اسلامی در زمینه مسدود ماندن مکاتب دخترانه بالا تر از صنف ششم انتقاد نمود و خواستار بازگشائی هر چه سریعتر درب آنها بر روی شاگردان دختر شد، بلکه با شدت بیشتر علیه مواضع اخیر دولت مردان پاکستان به خصوص صدراعظم آن کشور "شهباز شریف" و وزیر خارجه آن، "بهاول بهوتو" نیز موضع گرفته، ضمن چند حمله مستقیم از آنها خواست تا صبر نظام ملاسالار را بیش از این آزمایش نکنند، نامبرده به این هم اکتفاء ننموده به علاوه آن که به صورت تلویحی مواضع "ملایعقوب" سرپرست وزارت دفاع نظام ملاسالار را در قبال مسیر آمدن درونهای امریکائی تأیید نمود، امپریالیسم امریکا را نیز به تخلف از موافقتنامه دوحه متهم ساخته، بمباران کشور ما را به وسیله درون بشدت محکوم کرد. در یادداشت کنونی خواهم کوشید تا مختصراً در تمام موارد "سخنرانی آتشین" نامبرده، نکاتی را به بحث بگیرم. اما در نخست:

۱- شیر محمد عباس ستانکزی- بین خلقی ها به مانند "شیرکی بروت قندهاری" به "شیرکی" معروف بود، یک تن از اعضای باند "خلق" بود، که همزمان با پیوستن بخشی هائی از آن باند به حرکت طالب در اواسط دهه ۹۰ قرن گذشته با دلالی پاکستان، به این حرکت پیوسته است. نامبرده تحصیلاتش را در هند به اتمام رسانده سند ماستری دارد. علی رغم سابقه عضویت و خدمات، از آنجائی که سابقه تحصیلاتش به مدرسه ختم نمی شود و از جمله آنهایی به شمار می رود که از معارف عصری آمده اند، زیاد مورد تأیید حرکت طالبان و مقامات بالائی آن نیست از همین رو با تمام سوابق کاری، خلاف انتظارش وی را زیر دست "امیر خان متقی" که بوئی از سیاست بین المللی نمی برد قرار داده اند، امری که مدتها باعث رنجش وی شده حاضر نبود از قطر به کابل بیاید.

به همان سان که سابقه تحصیلی "عباس ستانکزی" در معارف وی را نزد "ملاها" بی اعتبار می سازد، سابقه تحصیلی اش در هند و گرفتن سند ماستری از آن کشور، وی را نزد دولت پاکستان به خصوص "آی. اس. آی" به مثابه یک دشمن و یا عضو و حد اقل هوادار سازمان استخبارات هند "راو" معرفی نموده، نه به خودش احترامی قایل اند و نه هم به گفته هایش ارزش و اهمیتی می دهند.

۲- با در نظر داشت همین دو نکته، تجربه نشان داده است که طالب و نظام ملاسالار هر زمانی که خواسته باشد، در مورد یک موضع حرفهای بزرگ و مواضع خشن اتخاذ نماید بدون آن که تأثیر عملی از خود برجای بگذارد، به "شیرکی" دستور می دهند تا دهان کشوده، سخن بگوید. یعنی از یک طرف با سخنانش احمق ها را فریب دهد و از جانب دیگر سخنانش هیچ نوع تأثیری بر روابط متقابل بین کشور ها بر جای نگذارد. به گفته معروف "النین" حرف می زند تا چیزی نگفته باشد.

هر چند سخنان امروزش هم به آدرس امارت اسلامی، هم به آدرس دولت پاکستان و هم به آدرس دولت امریکا، هیچ نوع ارزش عملی ندارد، با آنها می بینیم که حتا در همان زمینه نظری نیز از طرف امارت اسلامی، دولت پاکستان و امپریالیسم امریکا به رد و تکذیب آن می پردازند. چنانچه:

۳- "شیرکی" به ارتباط بازکشائی مکاتب دختران، در حالی که صدایش را بلند تر نموده بر کلمات فشار بیشتر وارد می نمود و می خواست به شنوندگان بقبولاند که بسیار جدی است، گفت که طلب علم بر هر مرد و زن فرض است.

هنوز اهتزاز صدایش کاملاً خاموش نشده بوده که سر پرست وزارت امر به معروف و نهی از منکر - بخوانید اداره احتساب- در نظام ملاسالار، بسیار صریح نه تنها گفته هایش را رد نمود و ابراز داشت که آموختن مطالب غیر دینی نه تنها فرض نیست و مباح است، بلکه با بحث های اضافی وقت کسی را هم ضایع نسازد.

فقدان تعلیمات پایه ئی اسلامی "ستانکزی" باعث می گردد که وی علی رغم تماس بیش از سه دهه با قشر آخذ و ملا، باز هم نه تنها در شناخت آنها پایش بلند، بلکه درک درستی از اسلام نیز نداشته باشد. "شیرکی" تا حال نتوانسته بفهمد که وقتی پای منافع ملا در میان باشد، باز به استناد نوشته در گوشه کتاب، تیرش دو چند تاوان دارد. او نمی تواند این را بفهمد که حتا اگر ملا بپذیرد که طلب علم بر تمام زنان و مردان فرض است و این حدیث منسوب به "محمد" پیامبر اسلام که گویا گفت است: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم، ومسلمة» راست هم باشد و هیچ آخندی در رد آن و عدم اعتبار آن زبان نکشاید، همپنان که تاحال گفته اند بعد از این نیز خواهند گفت:

\*- منظور از فرض بودن آموختن علم، علم دین است که آموختن آن بر تمام مسلمانان اعم از مرد و زن فرض است؛  
\* - با تقسیم فرض به فرض عین و فرض کفائی، آموختن علوم غیر دینی حتا دینی را برای زنان و مردان، فرض کفائی دانسته، همین که در یک جامعه اسلامی فقط یک و یا دو نفر و یا چند نفر آن را بیاموزند، آموختن آن از گردن دیگران ساقط می گردد.

۴- و اما این که "شیرکی" در چنان جلسه رسمی و در حضور مردم سیاست حاکمیت طالبی و شخص "امیر غایب" را نقد می نماید از همان کلاه بازی ها و فریبکاری هائیت که فقط در انبان طالب و نظام ملاسالار می توان آن را پیدا نمود. "شیرکی" و مجموع طالب این نکته را بخوبی می دانند که "اپوزیسیون نمائی" در یک نظام مستبد و انحصار طالب، بیشتر از آن که مردم را به مبارزه علیه آن نظام تحریک و تشجیع نماید، آنها را منتظر و امیدوار نتیجه مبارزات درونی دو خط ساخته، به جای آن که توده های میلیونی کشور بخواهند تعیین سرنوشت شان را به دست خود بگیرند، منتظر می مانند تا ببینند نتایج درگیری ها و تضاد های درونی به کجا منتهی خواهد شد.

به علاوه با این تکنیک می کوشند تا ظرفیت مخالف نا آگاه شان را به دور منتقدان درون نظام جمع نموده، کارائی شان را به صفر ضرب بزنند. ادامه دارد.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**